

Structural Equation Modeling of Parent-Adolescent Conflict Relationship with Emotional Disorder in Adolescents: The Mediating Role of Experience Avoidance

Tayebeh Azizi

PhD student of General Psychology, Kermanshah Branch, Kermanshah University, Kermanshah, Iran

Hasan Amiri

Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, Kermanshah Branch, Kermanshah University, Kermanshah, Iran.

Karim Afsharinia

Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, Kermanshah Branch, Kermanshah University, Kermanshah, Iran.

مدل‌یابی معادلات ساختاری رابطه تعارض والدین - نوجوان با بد تنظیمی هیجانی در نوجوانان: نقش میانجی اجتناب از تجربه

طیبه عزیزی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

*حسن امیری

استادیار گروه روان‌شناسی و مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

کریم افشاری نیا

استادیار گروه روان‌شناسی و مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

Abstract

Aim:The aim of this study was to determine the fit of the structural relationship model of parent-adolescent conflict with emotional dysregulation with the mediating role of experience avoidance in adolescents in Tehran city. **Method:** The statistical population of the study included 13 to 18 year old adolescents in Tehran. Using available sampling method, 400 people (200 female adolescents and 200 male adolescents) were selected as the sample and the Asadi and Younesi adolescent parent conflict questionnaire (2011), Avoiding the Experience of Bond et al.(2007)and Graz and Romer Emotional dysregulation questionnaire (2004) were replied by them. Structural equation model and IBM AMOS24 software were used for data analysis. **Results:**The results showed that there is a positive and significant relationship between parent-adolescent conflict and emotion dysregulation ($p < 0.05$). Also, there is a positive and significant relationship between parent-adolescent conflict with emotional dysregulation with the mediating role of avoiding experience ($p < 0.05$). The results also showed that the relationship between parent-adolescent conflict and emotional dysfunction with the mediating role of experience avoidance was higher in boys than girls ($p < 0.05$). **Conclusion:**Based on the research findings, it can be said that parents should be asked to provide as much ground as possible for adolescents to gain new and useful experiences to increase their self-confidence and thus even resolve the conflict between themselves and their child.

Keywords: Parent-adolescent conflict, Emotional dysregulation, Experience avoidance

چکیده

هدف: از پژوهش حاضر تعیین برآزش مدل رابطه ساختاری تعارض والدین و نوجوان با بد تنظیمی هیجانی با نقش میانجی اجتناب از تجربه در نوجوانان شهر تهران بود. **روش:** جامعه آماری پژوهش شامل نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله شهر تهران بود که با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس، ۴۰۰ نفر (۲۰۰ نوجوان دختر و ۲۰۰ نوجوان پسر) به عنوان نمونه انتخاب شدند و به پرسشنامه‌ی تعارض والد نوجوان اسدی و یونسی (۱۳۹۰)، اجتناب از تجربه بوند و همکاران (۲۰۰۷) و بد تنظیمی هیجانی گراتز و رومر (۲۰۰۴) پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری و نرم افزار IBM AMOS24 استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد بین تعارض والدین و نوجوان با بد تنظیمی هیجان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p < 0.05$). همچنین، بین تعارض والدین و نوجوان با بد تنظیمی هیجانی با نقش میانجی اجتناب از تجربه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p < 0.05$). همچنین نتایج نشان داد که رابطه تعارض والد - نوجوان با بد تنظیمی هیجانی با نقش میانجی اجتناب از تجربه در پسران از دختران بیشتر بود ($p < 0.05$). **نتیجه گیری:** بر اساس یافته‌های پژوهشی می‌توان گفت که از والدین خواسته شود تا حد امکان زمینه را برای نوجوانان جهت کسب تجربه‌های جدید و مفید فراهم کنند تا اعتماد به نفس آنان افزایش یابد و از این طریق حتی تعارض میان خود و فرزندشان را برطرف نمایند.

واژه‌گان کلیدی: تعارض والد-نوجوان، بد تنظیمی هیجانی، اجتناب از تجربه

* نویسنده مسئول: ahasan.amiri@iauksh.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶

مقدمه

نوجوانی را می‌توان با اهمیت‌ترین دوره زندگی هر فرد دانست که ویژگی‌های رشدی آن می‌تواند بر اختلالات روانی و رفتاری فرد در آینده اثر بگذارد (Ghamari, 2013). در این مرحله ظرفیت خودتنظیمی و شناخت استرس نوجوانان به سبب عدم رشد کامل جسمی و روانی محدود است و نمی‌توانند با همه استرس‌های زندگی سازگار شوند (Tang & et al, 2016). به علاوه همراه شدن تکانه‌های نوجویی و ظرفیت خودتنظیمی پایین زمینه‌ساز ظهور رفتارهای نامناسب روان‌شناختی در این دوره است (Nock, 2014). بیشتر نوجوانان از مکانیسم‌های انطباقی کافی برای پردازش تغییرات زندگی شان برخوردارند و می‌توانند از نوجوانی بدون درگیری در رفتارهای نامناسب روان‌شناختی عبور کنند و هیجان‌ات خود را کنترل نمایند، اما هنگامی که شرایط فوق با دامنه‌ای از عوامل محیطی (مثل تجارب بیزاری آور دوران کودکی، فرزند پروری ضعیف و ناکافی) و فردی (مانند خودانتقادی، اجتناب تجربی، پریشانی، احساس تنهایی، بدتنظیمی هیجانی) همراه می‌شود نتایج منفی مسلم است (Hall, 2013). محققین آسیب‌شناسی روانی معتقدند که داشتن عملکرد موفق در تعاملات اجتماعی، پرخاشگری و خشونت تکانشی و احساس شرمندگی، تعارضات در نتیجه تنظیم ناکافی پاسخ‌های هیجانی ایجاد می‌گردد (Sandler & et al, 2014). مثلاً گفته شده است که عدم تنظیم هیجان می‌تواند منادی رفتارهای مشکل‌آفرینی همچون خشونت باشد (Dillon & et al, 2017). تنظیم هیجان به توانایی فهم هیجانها، تعدیل تجربه و ابراز هیجانها اشاره دارد (Feldman-Barrett, & et al, 2019). تنظیم هیجان سازگاران با سازگاری و تعاملات مثبت مرتبط است و موجب افزایش فراوانی تجربه هیجان مثبت و مقابله مؤثر با موقعیتهای استرس‌زا می‌شود و حتی توانایی فعالیت‌های واکنشی لازم را در پاسخ به موقعیتهای اجتماعی بالا می‌برد (Neece & e (al, 2019). از دیدگاه پردازشی - تجربه‌ای، چنین فرض می‌شود که هیجان‌ها نقش اصلی را در بدکارکردی روان‌شناختی بازی می‌کنند. توانایی تنظیم شناختی عواطف همگانی است. اما چون در دوران نوجوانی، نوجوانان با تجارب متفاوت و منحصر به فرد مواجه و دستخوش تغییرات جسمانی، اجتماعی، روانی می‌شوند چنین تغییراتی منجر به کاهش ظرفیت مقابله مؤثر در آنها می‌گردد؛ لذا در پاسخ به این تجارب هیجانهای خود را به شیوه‌های متفاوتی کنترل و تنظیم می‌کنند (Rodriguez & et al, 2016). تنظیم هیجان به هنگام بروز تعارض بین والدین و فرزندان، به‌عنوان مکانیسم استفاده از خلق و خو برای حل کردن مشکلات شخصی و بین شخصی عمل می‌کند (Besharat & et al, 2013). نوجوانان در جست‌وجوی استقلال خود، هنجارها و محدودیتهای ایجادشده از سوی والدین را به چالش می‌کشند که اغلب منجر به تعارض^۱ در خانواده می‌شود. تعارض یکی از جنبه‌های مهم در روابط اجتماعی انسانهاست. از مظاهر این تعارض می‌توان به تعارض و اختلاف

¹ conflict

والدین و فرزند اشاره کرد. تعارض میان والدین و نوجوانان همانند تعارض در سایر عرصه‌های زندگی اساساً عبارت است از اختلاف یا تضاد در اهداف یا اختلاف دو جانبه میان والد و فرزند که با عدم سازگاری، ضدیت، هیجانات منفی و رفتارهای خصمانه و پرخاشگرانه مشخص می‌شود (Ahmed & et al, 2015). ماهیت تحولی تعارض والد - نوجوان در موضوعهای کلیدی تعارض در روابط والد و نوجوان انعکاس می‌یابد. با توجه به اینکه هراندازه میزان تعارض والدین و نوجوانان بیشتر باشد میزان هیجانات منفی و مشکلات رفتاری در نوجوان بیشتر می‌شود (Branje, 2018)، ماهیت و چگونگی روابط والد-کودک در رشد عملکرد هیجانی و تنظیم آن نقش اساسی دارد.

پس باید گفت که ماهیت روابط والدین و فرزندان بسیار مهم است زیرا می‌تواند بر تنظیم هیجانی نوجوانان تاثیر بگذارد. دشواری در تنظیم هیجان، سبکهای مشکل ساز مختلفی را نشان می‌دهد که افراد آنها را تجربه می‌کنند و به حالات هیجانی واکنش نشان می‌دهند (Gross & Jazaieri, 2014).

به‌طورکلی می‌توان گفت اهمیت تنظیم هیجان در نوجوانان در تمامی جنبه‌های روان‌شناختی سبب جلوگیری از تعارض میان نوجوان و والدین و سایرین می‌گردد و حتی از آسیب به خود نوجوان نیز جلوگیری کنند. یکی دیگر از عواملی که می‌تواند در تنظیم این واکنشها موثر باشد، اجتناب تجربی است. این اجتناب زمانی اتفاق می‌افتد که فرد تمایلی ندارد در تماس با تجارب درونی و ناخواسته (مانند حواس بدنی، هیجانات، افکار، خاطرات و رفتارها) باقی بماند و هیچ‌گونه اشتیاقی نیز برای تغییر شکل و فراوانی این رویدادهای درونی ندارد (Cacioppo & et al, 2014). این اجتناب زمانی مشکل ساز می‌شود که موجب تداخل در عملکرد روزانه و دستیابی به اهداف زندگی شخص شود (Chang & et al, 2019). این سازه، با افکار خودکشی، ارتکاب خودکشی، آسیب عمدی به خود در ارتباط است (Sadri Demirchi & Samadi, 2016؛ Fard, 2016؛ Cheetham & Lubman, 2017؛ Franken, 2006). این افکار زمانی به سمت نوجوان سوق داده می‌شود که نوجوان در تعارض با خود باشد و یا عاملی بیرونی زمینه‌ساز این تعارض باشد.

تحقیقات زیادی صورت‌گرفته است تا ماهیت تعارض والدین و نوجوانان مشخص شود و عموماً بر این باورند که یکی از عوامل بروز بدتنظیمی هیجانی در نوجوانان، تعارض میان آنان و والدین است. اما تحقیقات گسترده تر نشان می‌دهد که این رابطه (تعارض والد- فرزند و بدتنظیمی هیجانی) پیچیده تر از آن است که در یک رابطه علت و معلولی ساده خلاصه شود. در رابطه با این سازه‌ها و ارتباطی که بین متغیرهای ذکر شده با تنظیم هیجان دارند؛ پژوهشهای رضایی و همکاران (۱۴۰۰)، طاووسی و سلطانی نیا (۱۳۹۹)، جوادی پونلی و همکاران (۱۳۹۹)، استفانیا و همکاران (۲۰۱۹)، آلیس و همکاران (۲۰۲۰) و رادفورد (۲۰۱۹) گواه بر این مدعاست.

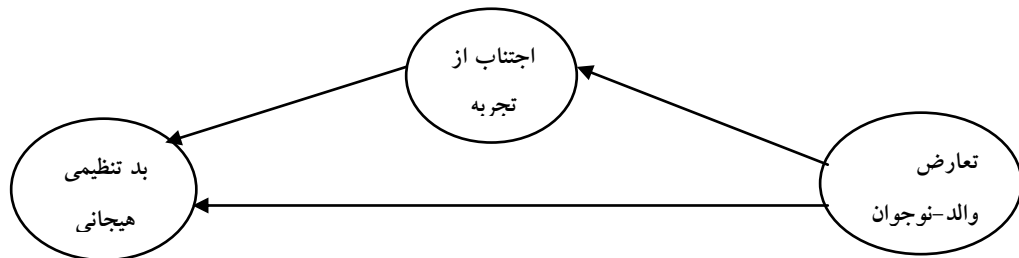
شواهد حاکی بر آن است که تنظیم شناختی هیجان از مهمترین متغیرهای مؤثر بر سطح سلامت روان است. منظور از تنظیم شناختی هیجان نحوی، پردازش شناختی فرد در هنگام مواجهه با وقایع ناگوار

واسترس زا است. نتایج پژوهشهای پیشین نشان می دهد که دشواری تنظیم هیجان و الگوهای منفی شناختی با آسیبهای روانی آمیختگی کامل دارد. از آنجا که اجتناب تجربی فرآیندی است شامل ارزیابیهای منفی افراطی از حسها، احساسات و افکار خصوصی ناخواسته و فقدان تمایل به تجربه کردن این رویدادهای خصوصی و تلاشهای عمدی برای کنترل یا فرار از آنها. اجتناب تجربی به منظور کاهش یا تغییر افکار، احساسات یا حسهای ناراحت کننده عمل می کند و در افراد با نشانه های افسردگی بیشتر از افراد غیربالینی دیده می شود (Rodriguez & et al, 2016). از طرفی، عملکرد اجتناب تجربی، کنترل یا به حداقل رساندن تأثیر تجارب آزارنده است و می تواند آرامش فوری و کوتاه مدت ایجاد کند که به شکل منفی رفتار را تقویت می کند. این اجتناب زمانی مشکل زا خواهد شد که با عملکرد روزانه و دستیابی به اهداف زندگی شخص تداخل نماید. بنابراین به نظر می رسد که این دو سازه در ارتباط با یکدیگر عمل می کنند که عوامل از جمله تعارض والد- فرزند نیز می تواند این امر را تشدید کند.

نوجوانان در سطح جامعه با سه گروه دوستان، فضای آموزشی و خانواده در ارتباط هستند. عدم وجود سلامت روان، مشکلات هیجانی، ناهنجاریهای رفتاری و تعارضات کوچک و بزرگ با این سه دسته سبب بروز مشکلاتی از قبیل نافرمانی، آسیب به خود، خشم، پرخاشگری و حتی آسیب به دیگران، گرفتار شدن در دام اعتیاد می تواند باشد. در تمام متون و پیشینه پژوهشها این نکته حایز اهمیت است که تفاوتی جنسیتی در متغیرهای روان ساختی و رابطه بین آنها با هم مؤثر است. در این پژوهش نیز سعی خواهد شد که در بین متغیرهای میانجی و مدل ارائه شده، مشخص گردد که تعارض ارتباط والد- فرزند و تنظیم هیجان در بین نوجوانان دختر و پسر به چه میزان متفاوت است. همچنین در جنبه دیگر بررسی گردد که در بین متغیرهای میانجی در این مدل کدام متغیر نقش بیشتری در این ارتباط را ایفا می کند که هم از نظر جنبه نوآوری پژوهش حائز اهمیت است و هم ضرورت اجرای این پژوهش را توجیه می کند. علاوه بر جنبه های اهمیت عملیاتی این پژوهش، از آنجایی که تنظیم هیجان به فهم هیجانها، تعدیل تجربه و ابراز صحیح هیجان را منجر می گردد و مستلزم مجموعه ای از مهارتهای ضروری و مهم است که همه افراد برای گذراندن زندگی روزمره خود باید تا حدی آنها را یاد بگیرند؛ متغیرهای در نظر گرفته شده در این پژوهش، در مدلیابی ساختاری که توسط محقق طراحی شده است، می توان در تنظیم هیجان در نوجوانان مؤثر باشد و در تحقیقات آتی مورد استفاده پژوهشگران باشد چرا که تا کنون مدلی که متغیرهای فوق را به صورت تجمیعی و در کنار هم مورد بررسی قرار دهد، دیده نشده است که نشان از اهمیت و ضرورت انجام چنین پژوهش هایی دارد.

با توجه به اینکه در این پژوهشها متغیرهایی همچون، اجتناب تجربی به صورت تک و یا بیشتر در مدلها بیان گردیده است، به نظر می رسد ارتباطی مستقیم و غیر مستقیم نیز از طریق این متغیر میانجی در رابطه

بین تعارض والد-نوجوان و بدتنظیمی هیجانی وجود داشته باشد که به صورت مدل زیر برای بررسی در این پژوهش ترسیم گردیده است (شکل ۱).



شکل (۱) مدل مفهومی پژوهش (منبع: محقق ساخته)

پژوهش کنونی در این راستا صورت گرفت و با توجه به مطالعه گسترده در بین این عوامل، مولفه اجتناب از تجربه انتخاب شد تا بررسی شود که آیا الگویی منطقی می‌توان برای ارتباط تعارض والد-فرزند و بدتنظیمی هیجانی نوجوانان با نقش میانجی این عامل ترسیم نمود؟

روش‌شناسی

پژوهش حاضر، از نظر هدف، بنیادی است و به روش همبستگی انجام شد. جامعه آماری در این پژوهش شامل تمامی نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ مدارس متوسطه منطقه ۵ تهران مشغول به تحصیل در سال ۹۸-۹۷ بود. بر اساس آمار اخذ شده از سازمان آموزش و پرورش منطقه ۵ تهران، تعداد دانش‌آموزان مقطع متوسطه برابر با ۵۵ هزار و ۶۶ دانش‌آموز بود. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای تصادفی بود و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان برابر با ۴۰۰ نفر که ۲۰۰ نفر دختر و ۲۰۰ نفر پسر در نظر گرفته شدند. در بخش تحقیقات میدانی با استفاده از پرسش‌نامه‌های ذیل نمونه آماری مورد بررسی و در نهایت نتایج حاصل از پرسش‌نامه که به صورت فردی در بین این نوجوانان توزیع شد؛ با نرم افزار IBM AMOS 24 تجزیه و تحلیل شد. در رابطه با ملاحظات اخلاقی، هدف پژوهش برای افراد شرح داده شد و آنها فرم رضایت از شرکت در پژوهش را امضا کردند. از دیگر ملاحظات اخلاقی مطرح در این پژوهش اصل رازداری اطلاعات افراد شرکت‌کننده بود. در این پژوهش از آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و...) و در قسمت آمار استنباطی از آزمون شاپیرو-ویلک برای بررسی نرمال بودن داده‌ها و آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی همبستگی بین متغیرها استفاده شد. همچنین جهت برازش مدل مفهومی از تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی با استفاده از مدل معادلات ساختاری و برازش مدل استفاده شد. نرم افزار مورد استفاده IBM AMOS24 بود.

۱- مقیاس تعارض والد-نوجوان اسدی یونس و همکاران (۱۳۹۰)

برای سنجش میزان تعارضات بین والدین و نوجوان از پرسش‌نامه اسدی یونس و همکاران (۱۳۹۰) استفاده می‌شود. که دارای ۹۲ پرسش است که هر پرسش دوبخش دارد. بخش اول «فراوانی تعارض» و بخش دوم «شدت تعارض» را می‌سنجد. نمره‌گذاری پرسشها در هر بخش جداگانه و براساس مقیاس لیکرت انجام می‌شود. اسدی یونسی و همکاران (۱۳۹۰) ضریب آلفایی ۰/۹۶ را برای همسانی درونی بخش فراوانی تعارض و ضریب آلفایی ۰/۹۸ برای بخش شدت تعارض را به دست آورده‌اند. ضریب بازآزمایی این مقیاس نیز برای بخش فراوانی تعارض را به دست آورده‌اند. ضریب بازآزمایی این مقیاس نیز برای بخش فراوانی تعارض ۰/۷۲ و برای بخش شدت تعارض ۰/۷۴ به دست آمده است. روایی همزمان این مقیاس از طریق اجرای همزمان آن با مقیاس سنجش تعارض نوجوان - والد بررسی شد که نتایج بیانگر همبستگی معنادار نمره CB_2 با هر دوبخش فراوانی تعارض ($r=0/31$) و شدت تعارض ($r=0/39$) است. میزان آلفای کرونباخ برای این متغیر، در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۷ بود.

۲- مقیاس بدتنظیمی هیجانی گرتز و رومر (۲۰۰۴)

برای سنجش بدتنظیمی از مقیاس دشواری تنظیم هیجان استفاده می‌شود. این مقیاس توسط گرتز و رومر (۲۰۰۴) تدوین شده است و دارای ۳۶ ماده است. نمره‌گذاری این پرسش‌نامه براساس مقیاس لیکرت انجام می‌شود و گزینه‌ها به صورت تقریباً هرگز، گاهی اوقات، نیمی از اوقات، بیشتر اوقات، تقریباً همیشه است و نمره‌های آن به ترتیب از ۱ تا ۵ است. باید توجه داشت که سوالهای ۱، ۳، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۴ و ۳۴ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. مقیاس دشواری در تنظیم هیجان شش راهبرد شناختی پذیرش هیجان است. رفتار کردن مطابق با اهداف، عدم توانایی در کنترل کردن رفتارهای تکانشی، نقص در آگاهی و درک هیجانات، نقص در راهبردهایی به کار رفته در تنظیم هیجان و نقص در شفافیت هیجانها و عدم پذیرش پاسخ است. گرتز اعتبار این مقیاس را ۰/۹۳ و اعتبار آن را به روش آلفایی کرونباخ ۰/۸۰ گزارش کرده است. در پژوهش برجعلی (۱۳۹۲) اعتبار آن با دوروش آلفایی کرونباخ و تصنیف محاسبه شد که به ترتیب برابر ۰/۸۶ و ۰/۸۰ گزارش گردید. برای بررسی روایی مقیاس، نمره آن با نمره مقیاس هیجان خواهی زاکرمن همبسته شد و مشخص شد که همبستگی مثبت معنی داری بین آن‌ها وجود دارد که بیانگر برخوردار بودن مقیاس تنظیم هیجان از روایی همگرایی لازم بود. میزان آلفای کرونباخ برای این متغیر، در پژوهش حاضر برابر با ۰/۹۰ بود.

۳- مقیاس اجتناب از تجربه (پذیرش و عمل نسخه دوم) بوند و همکاران (۲۰۰۷)

پرسش‌نامه پذیرش و عمل نسخه دوم (AAQ-II) به وسیله بوند، هیز و بایر، کارپنتر و همکاران (۲۰۰۷) ساخته شده، در ایران به وسیله عباسی، فتی، مولودی، ضرابی (۲۰۱۲) ترجمه و هنجاریابی شده است. این پرسش‌نامه از ۱۰ ماده تشکیل شده است و سازه‌ای را می‌سنجد که به تنوع پذیرش، اجتناب

تجربی و انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی مرتبط می‌شود. نتایج نشان داده پرسش‌نامه پذیرش و عمل به صورت همزمان، طولی و افزایشی دامنه‌ای از نتایج از سلامت ذهن تا میزان غیبت از کار را پیش‌بینی می‌کند. این ابزار، همچنین اعتبار تمیزی مناسبی را نشان می‌دهد (Abasi & et al, 2012). میزان آلفای کرونباخ برای این متغیر، در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۵ بود.

یافته‌های پژوهش

این پژوهش، بر روی ۴۰۰ نفر از نوجوانان دختر و پسر انجام شد. بررسی ویژگی‌های فردی شرکت‌کنندگان بر اساس جدول زیر است:

جدول (۱) ویژگی‌های جمعیت شناختی اعضای نمونه

سن		نوجوانان دختر		نوجوانان پسر	
	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد
۱۳-۱۴ سال	۶۰	۶۶	۳۰	۳۳	۳۳
۱۵-۱۶ سال	۷۶	۷۲	۳۸	۳۶	۳۶
۱۷-۱۸ سال	۶۴	۶۲	۳۲	۳۱	۳۱
جمع کل	۲۰۰	۲۰۰	٪ ۱۰۰	٪ ۱۰۰	٪ ۱۰۰

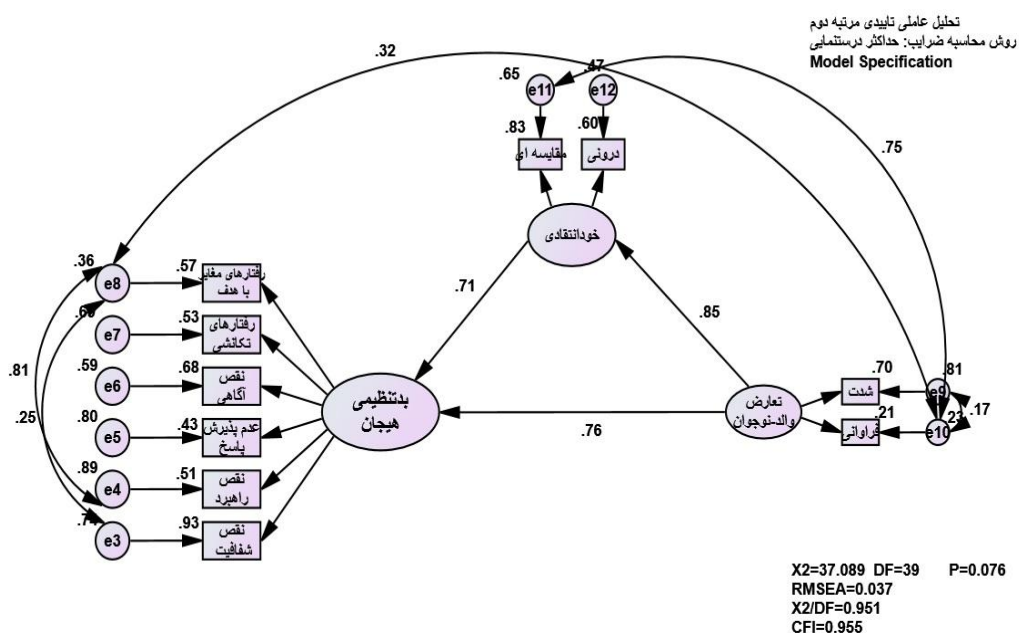
همچنین شاخص‌های پراکندگی برای متغیرهای پژوهش به شرح جدول ۲ است:

جدول (۲) آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	خرده‌مقیاس‌ها	نوجوانان پسر		نوجوانان دختر	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
تعارض والد-فرزند	فرآوانی تعارض	۱۳۸/۰۲	۴/۲۲	۱۴۱/۰۴	۴/۱۶
	شدت تعارض	۱۲۹/۶۲	۳/۴۸	۱۱۸/۱۵	۴/۷۳
دشواری در تنظیم هیجان	رفتار نکردن مطابق با هدف	۲۸/۱۱	۱/۸۸	۲۶/۵۱	۱/۸۵
	عدم کنترل رفتارهای تکانشی	۲۷/۱۷	۱/۷۵	۲۵/۳۴	۲/۲۹
	نقص آگاهی هیجان	۲۹/۵۳	۲/۴۷	۲۷/۷۹	۱/۷۵
	نقص درک هیجان	۲۶/۲۷	۱/۵۳	۲۸/۵۵	۲/۲۶
اجتناب از تجربه	نقص راهبرد تنظیم هیجان	۲۵/۷۰	۱/۳۸	۲۶/۷۳	۱/۴۲
	نقص شفافیت هیجان‌ها	۲۴/۳۳	۱/۷۶	۲۷/۱۹	۲/۱۵
خودانتقادی	-	۲۹/۳۲	۲/۱۶	۳۴/۸۳	۳/۶۷
	درونی شده	۴۴/۳۷	۴/۲۵	۳۹/۹۴	۳/۴۱
سه‌گانه تاریک شخصیت	مقایسه‌ای	۴۶/۲۸	۳/۰۱	۵۴/۱۲	۲/۰۳
	خودشیفتگی	۲۵/۳۱	۲/۱۱	۳۵/۳۱	۱/۸۴
احساس تنهایی	ماکیاولیسم	۲۹/۹۲	۲/۰۵	۲۳/۹۲	۳/۱۱
	جامعه‌ستیزی	۲۷/۲۸	۱/۸۳	۲۰/۲۸	۲/۱۶
-	-	۳۹/۳۱	۳/۱۸	۴۵/۱۲	۲/۹۵

قبل از برازش مدل پژوهش، لازم بود آزمون آماری مناسبی جهت تجزیه و تحلیل داده ها انتخاب شود. ابتدا جهت بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون شاپیرو ویلک استفاده شد. بر اساس نتایج آزمون شاپیرو- ویلک نیز مقادیر سطح معناداری متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ بود، یعنی فرض صفر رد و حاکی تایید فرض خلاف و نرمال بودن توزیع داده ها است. بنابراین با توجه به نرمال بودن توزیع داده ها، در تحلیلهای پیش رو از آزمونهای پارامتریک معادل با فرضیه های پژوهش استفاده می شود.

ابتدا برازندگی الگوی پیشنهادی براساس شاخص نسبت مجذور خی دو به درجه آزادی، شاخص برازندگی تطبیقی، شاخص نیکویی برازش، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون الگوی پیشنهادی، حکایت از برازش قابل قبول این الگو داشت که این الگوی برازش یافته در شکل شماره ۱ قابل مشاهده است.



شکل (۲) الگوی مدل اثر میانجی خودانتقادی در رابطه بین تعارض والد-فرزند و بدتنظیمی هیجانی نوجوانان

برای آنکه الگو از برازش خوبی برخوردار باشد، باید نسبت مجذور خی دو به درجه آزادی کمتر از ۳ باشد همچنین شاخصهای برازندگی تطبیقی (CFI)، نیکویی برازش (GFI) و نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI) نزدیک به یک باشند و ریشه میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) کوچکتر از ۰/۱ باشد. شاخصهای کلی این مدل در جدول شماره ۳ قابل مشاهده است.

جدول (۳) شاخصهای نیکویی برازش الگوی پیشنهادی اثر میانجی خودانتقادی در رابطه بین تعارض والد- فرزند و بدتنظیمی هیجانی نوجوانان

CFI	AGFI	GFI	RMSEA	χ^2/df	DF	χ^2
۰/۹۵۵	۰/۹۱۱	۰/۹۳۵	۰/۰۳۷	۰/۹۵۱	۳۹	۳۷/۰۸۹

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۳، شاخصهای کلی آزمون الگوی پیشنهادی تعدیل شده، حاکی از برازش کلی این الگو است. بنابراین وجه به این که شاخص های مذکور در جدول فوق استانداردهای مورد نظر را دارند، می توان اذعان داشت که الگوی پیشنهادی تعدیل شده در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است. بر همین اساس می توان تأیید کرد که اثر میانجی خودانتقادی در رابطه بین تعارض والد- فرزند و بدتنظیمی هیجانی نوجوانان معنادار بوده است.

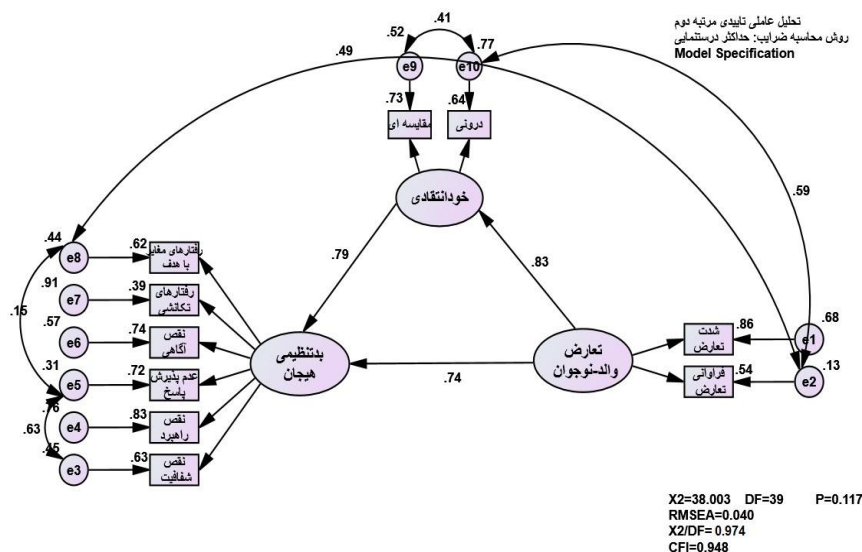
با توجه به اینکه شاخصهای تولیدی تحلیل مسیر فقط محدود به شاخصهای برازش کلی الگو نیست؛ بلکه پارامتر ضریب مسیر و مقادیر بحرانی متناظر با آنها برای هر یک از مسیرهای علی از متغیر برو نزا به متغیر میانجی و درو نزا، و از متغیر میانجی به متغیر درونزا نیز وجود دارد، اشاره به این برون داد ها نیز ضروری است که در جدول ۳ به آنها اشاره شده است.

جدول ۴: ضرایب رگرسیونی استاندارد شده و مقادیر شاخصهای جزئی اثر میانجی خودانتقادی در رابطه بین تعارض والد - فرزند و بدتنظیمی

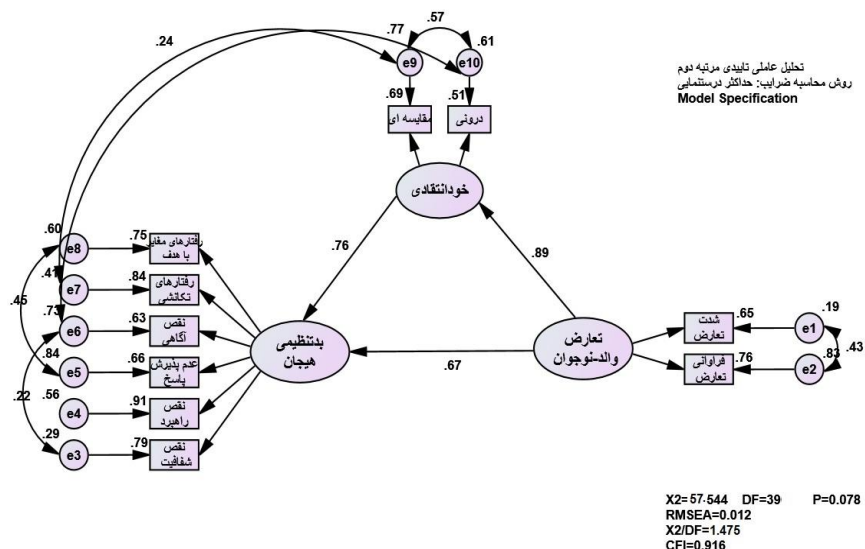
هیجانی نوجوانان

نتیجه	P	T آماره	ضریب مسیر	مسیر
معنادار	۰/۰۱	۲/۲۴۵	۰/۷۶	تعارض والد-فرزند ← بدتنظیمی هیجانی
معنادار	۰/۰۰۱	۲/۴۹۸	۰/۸۵	تعارض والد-فرزند ← خودانتقادی
معنادار	۰/۰۰۱	۳/۳۷۷	۰/۶۱	تعارض والد-فرزند ← خودانتقادی ← بدتنظیمی هیجانی

با توجه به نتایج جدول ۴، هر دو مسیر مستقیم و غیر مستقیم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می شوند. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که تعارض والد- فرزند چه به صورت مستقیم و چه با نقش میانجی خودانتقادی با بدتنظیمی هیجانی نوجوانان رابطه مثبت و معنادار دارد. در گام بعدی، این الگوی پیشنهادی به تفکیک جنسیت (پسر و دختر) نیز مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آزمون این الگوها نیز، حکایت از برازش قابل قبول آنها داشت که در شکل های ۲ و ۳ قابل مشاهده است.



شکل (۲) الگوی مدل اثر میانجی خودانتقادی در رابطه بین تعارض والد-فرزند و بدتنظیمی هیجانی نوجوانان پسر



شکل (۳) الگوی مدل اثر میانجی خودانتقادی در رابطه بین تعارض والد-فرزند و بدتنظیمی هیجانی نوجوانان دختر

شاخصهای کلی این دو مدل نیز محاسبه گردید که در جداول شماره ۴ و ۵ قابل مشاهده است.

جدول ۵: شاخصهای نیکویی برازش الگوی پیشنهادی اثر میانجی خودانتقادی در رابطه بین تعارض والد-فرزند و بدتنظیمی هیجانی نوجوانان

پسر

CFI	AGFI	GFI	RMSEA	χ^2/df	DF	χ^2
۰/۹۴۸	۰/۹۴۱	۰/۹۳۲	۰/۰۴۰	۰/۹۷۴	۳۹	۳۸/۰۰۳

جدول ۶: شاخصهای نیکویی برازش الگوی پیشنهادی اثر میانجی خودانتقادی در رابطه بین تعارض والد-فرزند و بدتنظیمی هیجانی نوجوانان

دختر

CFI	AGFI	GFI	RMSEA	χ^2/df	DF	χ^2
۰/۹۱۶	۰/۹۳۷	۰/۹۱۸	۰/۱۲	۱/۴۷۵	۳۹	۵۷/۵۴۴

باتوجه به نتایج مندرج در جداول ۵ و ۶ شاخصهای کلی آزمون الگوی پیشنهادی تعدیل شده، حاکی از برازش کلی این دو الگو است. بنابراین با توجه به این که شاخصهای مذکور در جداول فوق استانداردهای مورد نظر را دارند، می توان اذعان داشت که الگوهای پیشنهادی تعدیل شده مورد تأیید قرار گرفته اند بر همین اساس می توان تایید کرد که اثر میانجی خودانتقادی در رابطه بین تعارض والد- فرزند و بدتنظیمی هیجانی نوجوانان به تفکیک جنسیت نیز معنادار بوده است. در جداول ۶ و ۷ پارامتر ضریب مسیر و مقادیر بحرانی متناظر با آنها در این دو مدل بررسی شده است.

جدول (۷) ضرایب رگرسیونی استاندارد شده و مقادیر شاخصهای جزئی اثر میانجی اجتناب از تجربه در رابطه بین تعارض والد-فرزند و

بدتنظیمی هیجانی نوجوانان پسر

نتیجه	P	آماره T	ضریب مسیر	مسیر
معنادار	۰/۰۰۱	۲/۱۶۵	۰/۵۸	تعارض والد-فرزند ← بدتنظیمی هیجانی
معنادار	۰/۰۰۱	۲/۰۹۸	۰/۷۳	تعارض والد-فرزند ← اجتناب از تجربه
معنادار	۰/۰۰۱	۲/۵۲۱	۰/۴۸	تعارض والد-فرزند ← اجتناب از تجربه ← بدتنظیمی هیجانی

جدول (۸) ضرایب رگرسیونی استاندارد شده، مقادیر شاخصهای جزئی اثر میانجی اجتناب از تجربه در رابطه بین تعارض والد-فرزند و

بدتنظیمی هیجانی نوجوانان دختر

نتیجه	P	آماره T	ضریب مسیر	مسیر
معنادار	۰/۰۰۱	۱/۱۶۷	۰/۶۳	تعارض والد-فرزند ← بدتنظیمی هیجانی
معنادار	۰/۰۰۱	۱/۶۴۳	۰/۸۱	تعارض والد-فرزند ← اجتناب از تجربه
معنادار	۰/۰۱۷	۱/۳۳۹	۰/۶۲	تعارض والد-فرزند ← اجتناب از تجربه ← بدتنظیمی هیجانی

با توجه به نتایج جداول ۷ و ۸، دو مسیر مستقیم و غیر مستقیم در هر دو گروه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شوند. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که تعارض والد-فرزند چه به صورت مستقیم و چه با نقش میانجی اجتناب از تجربه با بدتنظیمی هیجانی نوجوانان به تفکیک جنسیت رابطه مثبت و معنادار دارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین مدل رابطه ساختاری تعارض والدین و نوجوان با بدتنظیمی هیجانی با نقش میانجی اجتناب از تجربه بود. نتایج حاصل از روابط ساختاری بین متغیرها و مدل معادلات ساختاری نشان داد بین تعارض والدین و نوجوان با بدتنظیمی هیجان با نقش میانجی خودانتقادی در نوجوانان رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج حاصل از پژوهشهای رضایی و همکاران (۱۴۰۰)، حسینی و همکاران (۱۳۹۸)، قادری و همکاران (۱۳۹۸)، برجعلی (۱۳۹۲)، استفانیا و همکاران (۲۰۲۰) و گیلیام و همکاران (۲۰۱۸) هم سو و هم راستا است.

در تبیین این نتایج می توان گفت که گذر از وابستگی به استقلال نسبی با تقاضای جدید و تغییراتی همراه است که می تواند منجر به استرس در نوجوانان شود. در این مرحله ظرفیت خودتنظیمی و شناخت استرس نوجوانان به سبب عدم رشد کامل جسمی و روانی محدود است و نمی توانند با همه استرسهای زندگی سازگار شوند. به علاوه همراه شدن تکانه های نوجوانی و ظرفیت خودتنظیمی پایین زمینه ساز ظهور رفتارهای نامناسب روان شناختی در این دوره و همچنین ناسازگاری با محیط اطراف و اعضای خانواده و دوستان می گردد. بیشتر نوجوانان از مکانیسمهای انطباقی کافی برای پردازش تغییرات زندگی

شان برخوردارند و می‌توانند از نوجوانی بدون درگیری در رفتارهای نامناسب روان‌شناختی (نظیر خودزنی) عبور کنند، اما هنگامی که شرایط فوق با دامنه‌ای از عوامل محیطی (مثل تجارب بیزاری آور دوران کودکی، فرزند پروری ضعیف و ناکافی) و فردی (مانند خود انتقادی، پریشانی روان‌شناختی، بدتنظیمی هیجانی) همراه می‌شود، احتمال وقوع نتایج منفی و تعارض میان او و والدین چه در نوجوانی و چه در سنین بالاتر مسلم است. برای مثال ممکن است نوجوانان جهت انطباق با عوامل استرس‌زای هیجانی متعدد به صورت هدفمند به خودشان صدمه و آسیب وارد کنند. خود انتقادی از جمله عوامل خطر نزدیک (درون فردی) در سبب‌شناسی تعارضات بین والدین و نوجوانان و تنظیم هیجان‌هاست که به‌عنوان شکلی از آزار و اذیت دورنی که استرس‌زا و تضعیف‌کنندهٔ خود است، نگریسته می‌شود. همچنین به صورت داشتن انتظارات بالا از خود و تلاش برای پیشرفت تعریف شده است (Chang & et al, 2019). افراد خود انتقادگر هنگام مواجه با موانع در راه رسیدن به اهدافشان، همراه با احساس حقارت شدید، گناه، بی‌ارزشی و شکست در مطابقت با معیارهای مورد انتظار هستند. آنها به سبب تاکید زیاد بر دست‌یابی به اهداف و درگیر شدن سخت‌گیرانه در قضاوت از خود، از لذت بردن برای دست‌یابی به اهداف خود ناتوان هستند. علی‌رغم اینکه این افراد خود را با ذره بین زیر نظر دارند، اما به دلیل احساس تهدید شدگی درونی فرصت تجربه کامل هیجانهای منفی را به خود نمی‌دهند و با سخت‌گیری مضاعف خود مانع پذیرش هیجان‌هایشان می‌شوند که خود سبب می‌شود نوجوان دچار بدتنظیمی هیجانی گردد. امروزه با وجود نقش مثبت و سازندهٔ هیجانها در زندگی بشر، بعد دیگری نیز برای آنها وجود دارد که همان جنبهٔ مخرب هیجانها در زندگی افراد است در واقع یک هیجان زمانی مشکل‌آفرین و آسیب‌زا می‌شود که به سبک نادرستی ابراز شود، در بافتی نامتناسب رخ دهد، بسیار شدید باشد و برای مدت زیادی بر زندگی فرد اثر گذارد. مراکز تنظیم هیجانها و تنظیم و تخفیف درد در مغز نزدیک به هم قرار دارند و در ارتباط با یکدیگر هستند. علاوه بر خودانتقادی که نقش مهمی در ایجاد محیط پرتنش ایفا می‌کند. راهبردهای نظم‌جوی هیجانها به وقایع فراخوانندهٔ هیجان را فعال می‌کند و این راهبردها به فرد اجازه نظارت و ارزشیابی و تعدیل ماهیت و طول مدت پاسخهای هیجانی‌زا می‌دهد. ذهن افراد نوجوانان پر از افکار قضاوت‌کننده، واکنشی، قضاوت‌گونه، خود انتقادی و منفی است که مانع از فعالیت سازندهٔ آنها می‌شود. نوجوانان به دلیل عدم برخوردارگی از برخی مهارت‌های مهم زندگی همچون تنظیم هیجان، ممکن است نتوانند با برخی چالش‌های روزمرهٔ زندگی برخورد سازنده داشته باشند که زمینه‌ساز افسردگی، اضطراب و کناره‌گیری آنها از فعالیتهای تحصیلی و در نتیجه افت تحصیلی و تعارض با والدین می‌شود. در این میان باید به نقش مؤثر برخی مهارت‌های روان‌شناختی و هیجانی همچون تنظیم هیجان اشاره کرد که می‌توانند در افزایش توانمندی افراد در حوزه‌های مختلف زندگی، به خصوص در سازگاری با والدین کمک کند. چنان‌چه مشاهده می‌شود، نقش خودانتقادی در بدتنظیمی هیجانی به صراحت در پیشینهٔ نظری و پژوهشی قابل استنباط است. با توجه به تفاوت‌های فردی

چشمگیر در استفاده از راهبردهای تنظیم هیجان، به نظر می‌رسد تنظیم هیجانات با ابعاد خاصی از شخصیت گره خورده باشد. بنابراین می‌توان گفت که با توجه به تفاوت‌های فردی در رفتارها، تعارض بین والد و فرزند می‌تواند ریشه در تنظیم هیجانات داشته باشد و خودانتقادی سبب تشدید آن شود. بر همین اساس می‌توان استنباط کرد که نقش واسطه‌ای خودانتقادی شخصیت نه تنها محتمل بلکه به صورت ضمنی از همسویی تحقیقات پژوهشی برخوردار است در تبیین نقش جنسیت باید گفت با وجود اینکه پژوهش‌های فراوانی نشان داده است که ماهیت خودانتقادی در پسران بیشتر به صورت درونی است و در دختران به صورت مقایسه‌ای، اما در میزان و تاثیر خودانتقادی بر سایر مولفه‌ها در بین پژوهشگران اتفاق نظر وجود دارد. خودانتقادی در سنین نوجوانی بسیار شایع است و هم در دختران و هم در پسران به کرات مشاهده شده است. با این وجود، پژوهش کنونی نشان داده است که حتی با وجود تفاوت اساسی در نوع خودانتقادی در دختران و پسران، باز این متغیر در هر دو گروه به صورت معناداری نقش میانجی را برای تعارض والدین با نوجوانان و بدتنظیمی هیجانی آنها دارد. بنابراین می‌توان گفت که بین تعارض والدین و نوجوان با بدتنظیمی هیجان با نقش میانجی خودانتقادی در نوجوانان رابطه وجود دارد.

این پژوهش نیز همانند سایر پژوهش‌ها از محدودیتهایی برخوردار بود که می‌توان گفت به علت نبود زمان کافی و عدم همکاری مدارس، محقق نمی‌توانست به صورت مصاحبه بالینی، در ابتدا نوجوانانی را که سابقه تعارض و یا بدتنظیمی هیجانی داشتند به صورت هدفمند انتخاب و سپس اقدام به توزیع پرسش‌نامه کند. همچنین، می‌توان گفت که به دلیل عدم دسترسی همزمان به والدین و دانش آموز، محقق قادر به بررسی هر دو بخش تعارض در مقیاس تعارض والد-فرزند نبود. از نتایج این تحقیق می‌توان پیشنهادات کاربردی متنوعی برای اقشار مختلف جامعه بالاخص دانش آموزان، والدین و درمانگران استخراج کرد. پیشنهاد می‌شود که در بدو ورود به مقطع بالاتر (دوره متوسطه) مدارس و رسانه‌ها با آگاهی دادن به والدین از طریق مدارس، رسانه‌های اجتماعی و در صدد شناخت نیازهای دوره نوجوانی برای والدین و افراد کلیدی و آگاه در زمینه سلامت نوجوان (شامل والدین، معلمان و مشاوران مدارس، ارائه دهنده خدمات سلامت روان) باشند تا در تنظیم هیجان و سازگاری و کاهش تعارض به نوجوانان کمک کنند و چالش‌ها را به فرصت تبدیل کنند. می‌توان پیشنهاد داد که در گروه‌های شبکه‌های اجتماعی که دانش آموزان در آنها عضو هستند و یا حتی صدا و سیما، برنامه‌هایی تهیه گردد که تجربه‌های مثبت و منفی در دوران نوجوانی و عواقب آنها را بررسی و نمایش دهد و از والدین خواسته شود تا حداقل امکان زمینه را برای نوجوانان جهت کسب تجربه‌های جدید و مفید فراهم کنند تا اعتماد به نفس آنان افزایش یابد و از این طریق حتی تعارض میان خود و فرزندشان را برطرف کنند. همچنین، پیشنهاد می‌شود در پژوهشی آمیخته به طراحی الگوی تعارض والد-فرزند و اعتباریابی نتایج حاصل از آن در بین نوجوانان شهر تهران پرداخته شود.

پیشنهاد می‌شود در پژوهشی به عوامل موثر بر تنظیم هیجان در خانواده های تک فرزند و چند فرزند در بین نوجوانان شهر تهران پرداخته شود.

References

- Ahmed, S. P., Bittencourt-Hewitt, A., & Sebastian, C. L. (2015). Neurocognitive bases of emotion regulation development in adolescence. *Developmental cognitive neuroscience*, 15, 11-25.
- Alyse M Schultheis, Linda C Mayes, and Helena JV Rutherford (2019). Associations Between Emotion Regulation and Parental Reflective Functioning. *Journal of Child and Family Studies* volume 28, pages1094–1104.
- Asadi Younesi, M., Mazaheri, M., Shahidi, Sh., Tahmasian, K. and Fayyaz Bakhsh, M. (2011). Development and validation of a parent-adolescent conflict assessment questionnaire. *Family and Research Quarterly*. 8 (12), 70-47.[Persian].
- Besharat, Mohammad., A; Dehghani, S., Masoudi, M., Pourkhaghan, F., Motahhari, S. (2014), Predicting the symptoms of obsessive-compulsive disorder based on difficulty in regulating emotion, impulsivity and anger, *Applied Research*, (4) 5. pp. 29-49. [Persian].
- Borjali, A (2013). The effectiveness of mindfulness-based cognitive therapy on reducing parent-child conflict in adolescents. *Journal of Behavioral Sciences*. 7 (1). 6-1. [Persian].
- Branje, S. (2018). Development of parent–adolescent relationships: Conflict interactions as a mechanism of change. *Child Development Perspectives*.
- Cacioppo, J. T., Ernst, J. M., Burleson, M. H., McClintock, M. K., Malarkey, W. B., Hawkey L. C., Kowalewski, R. B., Paulsen, A., Hobson, J. A., Hugdahl, K., Spiegel, D., & Berntson, G. G. (2014). Lonely traits and concomitant physiological processes: The MacArthur social neuroscience studies. *International Journal of Psychophysiology*, 35(2-3),143-54.
- Chang, E. C., Kahle, E. R., Yu, E. A., & Hirsch, J. K. (2019). Behavioral Inhibition System and Behavioral Activation System (BIS/BAS) motives and loneliness as predictors of eating disturbances in female college students: Interpersonal context matters. *Journal of Socia and Clinical Psychology*, 33, 250– 269.
- Cheetham A., Allen, N.B., Yucel, M., & Lubman, D. I. (2017). The role of affective dysregulation in drug addiction. *Clinical psychology review*, 30, 621–634.
- Dehban, Sh., Rahimi, G (2020). The effectiveness of emotion regulation-based group therapy on mood dysphoria and experimental avoidance in patients with substance abuse with comorbid borderline personality disorder. *Journal of Psychological Studies*. Volume 16. pp. 22-7. [Persian].
- Dillon, D. G., Ritchey, M. ; Johnson, B. D. & La-Bar, K. S. (2017). Dissociable effects of conscious emotion regulation strategies on explicit and implicit memory. *Emotion*, 7 (2), 354-365.

- Feldman-Barrett L, Gross J, Christensen TC, Benvenuto M (2019). Knowing what you're feeling and knowing what to do about it: mapping the relation between emotion differentiation and emotion regulation. *Cognition and Emotion*; 15: 713-24.
- Franken, I. H. A. (2006). Behavioral approach system (BAS) sensitivity predicts alcohol craving. *Personality and Individual Differences*, 32, 349–355.
- Gilliam, W. , Burns, J. W. , Quartana, P. , and et al. (2018). Interactive effects of catastrophizing and suppression on responses to acute pain: a test of an appraisal emotion regulation model. *Journal of Behavioral Medicine*, 33(3), 191-199.
- Gross JJ, Jazaieri H. Emotion, emotion regulation, and psychopathology: An affective science perspective. *Clinical Psychological Science*. 2014; 2(4):387-401. [DOI:10.1177/2167702614536164]
- Gunnlaugsson. G, Kristjánsson. A. L, Einarsdóttir. J & Sigfúsdóttir. I. D. (2017). Intrafamilial conflict and emotional well-being: A population based study among Icelandic adolescents. *Child Abuse & Neglect*. (35). 372–381
- Hall SJ. Self-injury as experiential avoidance. PhD dissertation: University of Alberta; 2013.
- Hosseini, F. S., Karimi, F., Nazarpour, M. (2019). The difficult role of regulating emotion and negative spontaneous thoughts in conflict resolution tactics of junior high school students with their parents. *Cognitive and Behavioral Sciences Research*. Eighth year. the first number. Pp. 94-77. [Persian].
- Javadi Punli, F., Baradaran, M., Ranjbar Noshari, F. (2019). A Comparative Study of Experience Avoidance and Mood Disorder in Substance Abusers and Healthy Individuals. *Two Quarterly Journal of Anti-Narcotics Knowledge*. Seventh year. the first number. [Persian].
- Neece, CL., Green, S.A.,& Baker, B.L. (2019). Parenting stress and child behavior problems: a transactional relationship across time. *Am J intellect of Early Adolescence*, 15, 203-219.
- Nock MK. *The oxford handbook of suicide and self-injury*. New York: Oxford University Press; 2014.
- Qaderi, M., Ahi, Q., Waziri, Sh., Mansoori, A., Shahabizadeh, F. (2019). Investigating the mediating role of self-criticism and distress tolerance in the relationship between attachment styles and non-suicidal self-harming behaviors of adolescents. *Journal of Behavioral Science Research*. Volume 17. Number 4. pp. 552-537. [Persian].
- Qamari, M. (2013). The relationship between social capital components and parent-adolescent conflict among adolescents. *Social Psychology Research*. 3 (11). 70-59. [Persian].
- Rezaei, Z., Akbari, M., Ahmadian, H., Yarahmadi, Y. (2021). Modeling adolescents' behavioral problems based on parent-child conflict and family process problems with the role of mediating the difficulty of emotion regulation in female adolescents. *Journal of Disability Studies*. Volume 11. No. 56. pp. 19-1. [Persian].
- Rodriguez, C.H. M., Tucker, M.C.,& Palmer, K. (2016). Emotion Regulation in Relation to Emerging Adults' Mental Health and Delinquency: A Multi-informant Approach. *Journal of Child and Family Studies*, 25 (6), 1916-1925.
- Sadri Demirchi, I., Asadi, Shishegran, S., Ismaili Ghazi, M., Valavi, F. (2016). The effectiveness of emotion regulation training on cognitive emotion regulation, loneliness and social intimacy of women with addicted spouses. *Social Work Quarterly*. Volume 5. Number 2. [Persian].
- Sandler, I.N., Tein, J.Y & West, S.G. (2014). "Coping, stress, and the psychological symptoms of children of divorce: A cross-sectional and longitudinal study". *Child Development*, 65, 1744-1763.

- Stefania Mannarini, Laura Balottin, Arianna Palmieri, and Francesco Carotenuto(2020). Emotion Regulation and Parental Bonding in Families of Adolescents With Internalizing and Externalizing Symptoms. *Journal of abnormal psychology*, 106(1), 95.
- Tang J, Yang W, Ahmed NI, Ma Y, Liu HY, Wang JJ, Wang PX, Du YK, Yu YZ..(2016). Stressful life events as a predictor for nonsuicidal self-injury in Southern Chinese adolescence: A cross-sectional study. *Medicine*. 95(9): e2637.
- Tavousi, M., Soltani Nia, Sh (2020). The mediating role of empirical avoidance in the relationship between emotional malaise and emotion regulation in patients with major depression after traumatic brain injury. *Journal of Cognitive Psychology and Psychiatry*. Seventh year. No. 2. pp. 152-140. [Persian].